



مکتب نگارگری بخارا (۱۱۱۴-۹۰۵ هـ)

دکتر یعقوب آژند

استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

چکیده

مکتب نگارگری بخارا تقریباً با فروپاشی مکتب نگارگری هرات شکل گرفت. شیبانیان در ماوراءالنهر قدرت را به دست گرفتند و با الگوبرداری از فعالیت‌های هنری و فرهنگی تیموریان به تشویق هنرمندان پرداختند و شماری از هنرمندان مکتب هرات را تحت حمایت خود درآوردند. این هنرمندان به کتابت و تصویرپردازی نسخه‌های متعدد ادب فارسی و ترکی پرداختند و در شهر بخارا، تخته‌گاه شیبانیان، سنتی از هنرهای کتاب آرایشی را پدید آوردند و به تدریج مکتب بخارا را بنیان گذاشتند.

در این مقاله نخست به زمینه‌ها و سیر شکل‌گیری و تکوین مکتب مذکور و بازمانده‌های آن پرداخته می‌شود و سپس رویکردهای مختلف آن، بررسی می‌گردد.

مکتب بخارا (۱۱۱۴-۹۰۵ هـ)

۱. زمینه سیاسی - فرهنگی

سلسله شیبانیان (زبکان) از سال ۹۰۵ تا ۱۰۰۷ هجری در ماوراءالنهر حکومت کردند. آن‌ها نسب خویش را به «شیبان»، فرزند کهتر «جوجی» از فرزندان «چنگیز» می‌رسانند؛ هم‌چنین در تاریخ به سبب انتساب به «ابوالخیر جد محمد شیبانی» به «ابوالخیریان» شهرت دارند. «ابوالخیر» در سال ۸۵۰ هـ. خوارزم را با شکست دادن تیموریان، به مالکیت خود درآورد و بعدها نیز به سمرقند دست یافت. شیبانیان در نیمه دوم سده بخارا را تخته‌گاه خود کردند و سپس در آن آثار متعدد معماری تأسیس کردند. شیبان به دلیل حمایت از اهل سنت و دیگر تضادهای سیاسی - اقتصادی با صفویان درگیر بودند و چندین بار از آن‌ها شکست خوردند و در ایام جنگ‌های خود با آن‌ها، بارها منطقه خراسان را محل چپاول و تاراج قرار دادند.

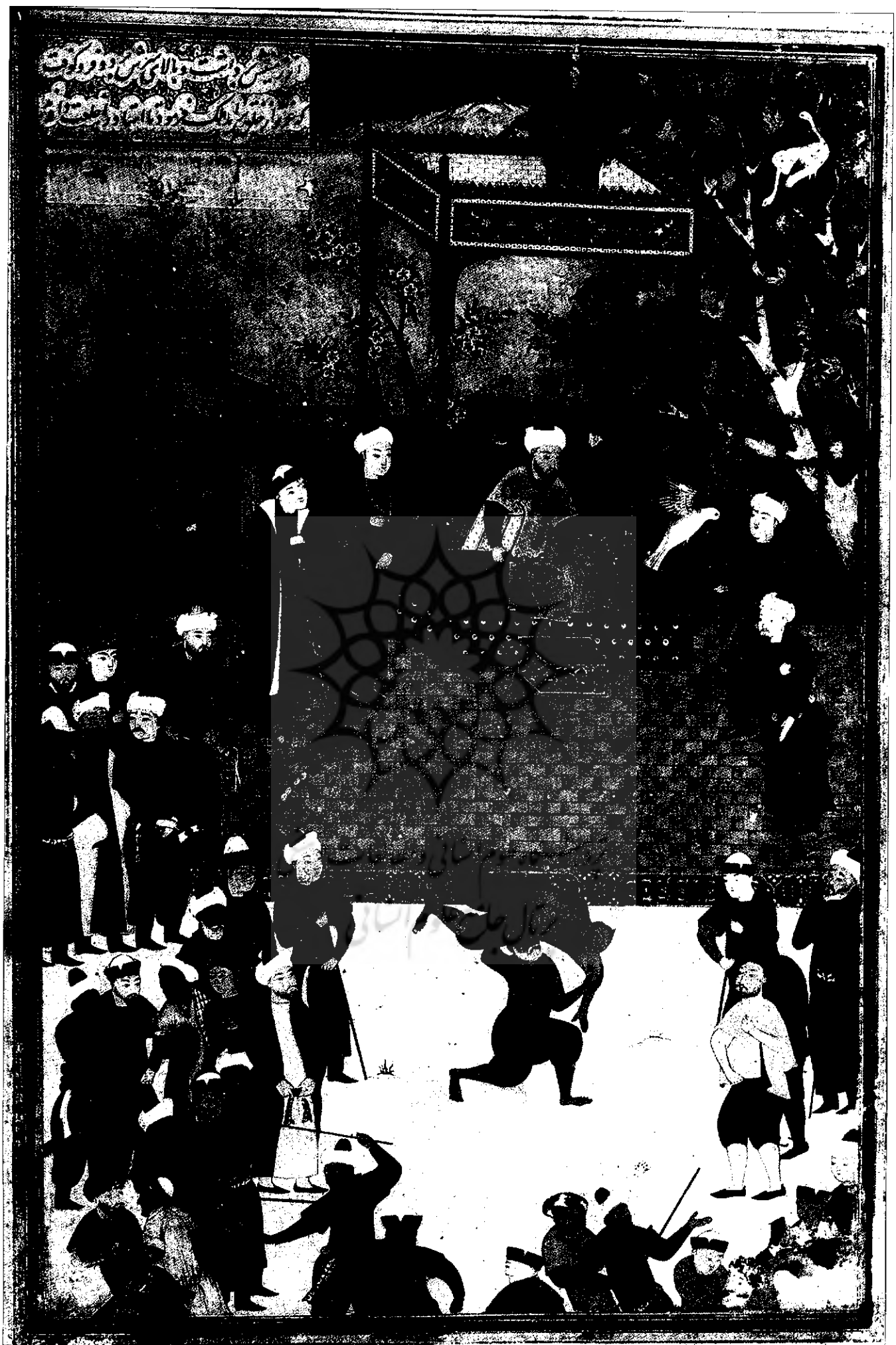
شیبانیان در سال ۱۰۰۷ هـ. جای خود را به «جانی‌ها» (طغا تیموریه) دادند. «جانی‌ها» نیز مدعی بودند که از بازماندگان «جوجی»، فرزند «چنگیز» هستند و از راه وصلت‌های خانوادگی به شیبانیان می‌پیوستند. «جانی‌ها» تا سال ۱۱۹۹ هـ.

در بخارا حکومت کردند؛ ولی خوارزم و مرکز آن خبوه تا اواخر سده یازدهم در دست «عرب‌شاهی‌ها» از شعب شیبانیان باقی ماند و بعدها «عرب‌شاهی‌ها» جای خود را به خانانی دادند که مدعی انتساب به خاندان چنگیز بودند.

دربار شیبانیان در بخارا از نظر فرهنگی، تحت تأثیر تیموریان قرار داشت. «محمد شیبانی» در سال ۹۱۳ هـ، «بدیع‌الزمان میرزا»، آخرین حکمران را از هرات راند؛ سپس غنائیم زیادی به دست آورد و آثار نفیس تیموری را غارت کرد و شماری از شاعران، هنرمندان و موسیقی‌دانان هرات را به بخارا برد. گفته شده که از جمله این هنرمندان؛ «بهزاد» بوده است که تا سال ۹۱۶ هـ. - سال مرگ «محمد شیبانی» - در بخارا زندگی کرد و سپس عازم تبریز شد. (Ashrafi, ۱۹۷۹, ۲۴۹FF).

«عبیدالله‌خان» (۴۶-۹۱۸ هـ.) - جانشین «محمد شیبانی»، چند بار به هرات حمله برد و در خلال حملات خود، نسخ خطی و هنرمندانی چون شیخ‌زاده و خطاطانی چون میرعلی هروی را به بخارا منتقل کرد. از این‌رو، تأثیر مکتب هرات در بخارا تا اواخر نیمه اول سده یازدهم هجری مشهود بود. اما از دوره «عبیدالله‌خان»، نسخه‌ای که به او اهدا شده باشد، در دست نیست.

سوره یونس
عاشقانه



مورخانی چون «واصفی»، «حسن نثاری» و «میرزا حیدر دوغلات»، از شکوفایی هنرها در زمان «عبیدالله خان» خبر داده‌اند. (Ibid).

«بابر» در مورد حکومت محمد شیبانی می‌نویسد که وقتی او به هرات وارد شد، یکبار در مجلسی که درباره هنر «بهزاد» و «سلطانعلی مشهدی» (خطاط) صحبت می‌شد: «محمد شیبانی» از هنر آن‌ها انتقاد نمود و دست نوشته‌های آنها را اصلاح کرد. «بابر» این عمل او را نشانه کبر و نخوت او قلمداد کرده است. (۱۶۷۹، ۳۳۹).

«کتاب‌آرایی» در روزگار «عبدالعزیز» (۴۹-۹۴ هـ) به سبب حمایت وی از هنرها به شکوفایی رسید. در نتیجه آثار برجسته‌ای از نسخ مصور تولید شد. «نگارگری بخارا» در زمان او پخته و پرورده شد و به تدریج از زیر سلطه مکتب هرات بیرون آمد. «کتاب‌آرایی» در اواخر سده دهم هجری تا حدودی منحن گردید و کیفیت خود را از دست داد؛ اما تذهیب، هنوز برپایه الگوها و نقوش دوره تیموری رونق داشت.

علاقه به پی‌گیری سنت‌های هرات را می‌توان در کارگاه هنری «کلدی محمد سلطان» (متوفی ۹۴۱ هـ) - حاکم تاشکند - مشاهده کرد. به هر تقدیر، سه شهر نامدار ماوراءالنهر، «بخارا»، «سمرقند» و «تاشکند» در دوره شیبان از مراکز و کانون‌های حمایت هنری شمرده می‌شدند. به همین جهت، آثار قابل ملاحظه‌ای در این شهرها پدید آمد که در حقیقت شالوده مکتب بخارا را پی‌ریزی کردند.

کتاب «محمدامین بن محمد زمان بخاری سفیانی» با عنوان «مخبط‌التواریخ» تألیف در سال ۱۱۰۹ هـ. در بردارنده اطلاعات ارزشمندی درباره هنرمندان دربار «عبدالعزیزخان» (۹۱-۱۰۵۷ هـ) و «سبحانقلی خان» (۱۱۱۴-۱۰۹۳ هـ) است. در این کتاب از «محمد مقیم» (فعالیت در حدود سال‌های ۱۰۳۴-۶۹ هـ) و معاصر او «ملا بهزاد»، «عوض محمد» و «گدای نقاش» یاد شده است. نویسنده هنگام ذکر شرح حال بعضی از نقاشان و مذهبیان دوره جانی‌ها از «خواجه گدای نقاش»، صحبت می‌کند که «با وجود مهارت در فن تذهیب بوته و تصویر؛ به یمن التفات و مرحمت حضرت، «نوا نادرالعصری» به اوج سپهر برین رسیده است» و در یادآوری از «خواجه مقیم» می‌نویسد: «در این فن استاد همه نقاشان و از هنرمندان روزگار و از نادره کاران با اقتدار است». سپس از مهارت او در موسیقی و نواختن قانون و چنگ و نیز چهره‌گشایی و گل‌پردازی سخن می‌راند. او در مورد «عوض محمد نقاش»، معتقد است که «زیده مصوران روزگار و قفوه نقاشان شیرین کار است». در صفت «ملا بهزاد» هم می‌نویسد: «کامل‌ترین مصوران دوران است، بلکه این کار را به نهایت کمال رسانیده است». «آکیوموشکین، ۱۳۳۹، ۱۵۴). هم‌چنین در کتاب «محمدامین»، توصیف مفصلی هم درباره کتابخانه سلطنتی زمان «عبدالعزیزخان» و «سبحانقلی خان» آمده است و از خوشنویسان کار دیده آن «میرزا برقی» (متوفی ۱۱۰۴ هـ) «ملا میر محمد منشی» و مولانا «ملا عربشاه» یاد شده است.

۲. بازمانده‌های مکتب بخارا

با اینکه نگاره‌های بازمانده از اوایل سده دهم، نشان دهنده تأثیرات مکتب هرات تیموری از طریق سمرقند در نیمه دوم سده نهم هجری است، (Ashrafi - Aini, ۱۹۷۹, ۲۶۰-۶۲). ولی به نظر می‌رسد که این نگاره‌ها محصول بخارا نباشد. به هر تقدیر، ویژگی‌های مکتب هرات دوره «سلطان حسین بایقرا» (۹۱۱-۸۷۵ هـ) که در نگاره‌های مثنوی «مهر و مستری عصار»، که به تاریخ ۹۲۹ هـ. در بخارا کتابت شده است، دیده می‌شود. (محمود در گالری هنری فریر واشنگتن). این تأثیرات را می‌توان در معماری نگاره‌ها، منظره‌پردازی‌ها و حتی جامه‌ها و دستارها مشاهده کرد. (Ibid, ۱۵۱-۲). بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که تأثیرگذاری مرحله پسین مکتب هرات، تا نیمه‌های سده دهم هجری ادامه یافته است.

چنانکه ذکر شد، کارگاه هنری «کلدی محمد سلطان»، در «تاشکند» در زمینه «کتاب‌آرایی» فعال بود. نقاشی‌های «خمسه میرعلیشیر نوایی» - کتابت در سال ۹۲۷ هـ - (محمود در کتابخانه سالتیکف شجدرین سن پترزبورگ) و دیوان اشعار او (محمود در کتابخانه انستیتوی شرقی تاشکند) و «انوار سهیلی کاشفی» - کتابت در حدود سال ۹۲۶ هـ - (متعلق به کتابخانه انستیتوی شرقی تاشکند) ویژگی‌ها و خصوصیات هنری مکتب هرات را تکرار کرده است. در این نگاره‌ها، ترکیب‌بندی‌های فضا دار و ساختاری همراه با تأکید بر خطوط افقی و عمودی دیده می‌شود. پیداست که در این نگاره‌ها، دست استادان محلی در کار بوده است.

در پی مرگ «کلدی محمد سلطان»، نقاشان کارگاه هنری او به سمرقند کوچیدند و سبک هنری خود را در آنجا ادامه دادند که نمونه کار آن‌ها، «تاریخ ابوالخیرخان»، کتابت در دهه ۹۴۰ هـ. است. (متعلق به کتابخانه انستیتوی شرقی تاشکند). با وجود این، نقاشان کار دیده و زنده را کارگاه هنری «عبیدالله خان» در بخارا جذب کرد. بنابراین، بخارا در دوره او کانون هنر و ادب گردید.

از این دوره، نسخه دیگری از مثنوی «مهر و مستری عصار» با کتابت «ابراهیم خلیل» در بخارا با چهار نگاره در دست است. این نسخه متعلق به کتابخانه «هنری فریر واشنگتن» است. (Robinson, ۱۹۵۸, ۱۳۴) در نگاره‌های این نسخه، مناظر با رنگ‌های چشمگیر و نهرهای جاری از بالای تپه‌ها و درختان و بوته‌های رنگارنگ، جلوه‌ای ویژه دارند. شاید یکی از زیباترین نسخه‌های این دوره گلستان سعدی با کتابت «سلطانعلی مشهدی» در هرات در سال ۹۰۶ هـ. باشد. (محمود در بنیاد بودمر در جنوا). این کتاب در سال ۹۵۴ هـ. در بخارا برای «عبدالعزیز سلطان» (۸۵۷-۹۴۶ هـ) تصویرپردازی شده است. ترکیب‌بندی‌ها و سبک نگاره‌های این نسخه، منشأ در سبک و نگاره‌های گلستان سلطان حسین بایقرا در سال ۸۹۱ هـ. دارد (امروزه در مجموعه سودآور محفوظ است). در نگاره‌های این گلستان ریزه‌کاری و دقیقه‌پردازی در پیکره‌ها و مناظره و معماری رعایت



شده است چنانکه آنها را به سبک مرحله پسین هرات، نزدیک کرده است. شسایان ذکر است که شماری از نسخه‌های خطی این دوره را «سلطانعلی مشهدی» که در بخارا نمی‌زیسته؛ کتابت کرده است؛ حتی چند نسخه از کتابها را هم «میرعلی هروی» پیش از آمدن به بخارا در سال ۹۳۵ هـ. کتابت کرده است. (Robinson, ۱۹۶۳, ۳۳۱). از این رو، تصاویر این نسخه را می‌باید بعدها بدان افزوده باشند؛ زیرا خصوصیات نگاره‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان تاریخی دقیق برای اجرای آنها تعیین کرد. بعید نیست که این نسخه‌ها را «محمد خان شیبانی» و یا «عبدالله خان» در زمان حمله به هرات به غنیمت برده‌اند و بعدها در کتابخانه بخارا تصاویری بدان‌ها افزوده‌اند.

گفتیم که «سلطان عبدالعزیز شیبانی» از کتاب دوستان پرذوق و از سلاطین هنرپرور و ادب دوست شیبانی بوده است. مکتب بخارا در زمان او بهترین دوره شکوفایی خود را از سر گذراند. بعضی معتقدند که خصوصیات مکتب بخارا در دوره او با «شیخ‌زاده» از تبریز وارد بخارا گردید. پس از جلوس «شاه‌طهماسب» (۸۴-۹۳ هـ) سبک هرات «بهزاد» و شاگردان او، جای خود را به سبک تبریز تحت سلطه «سلطان محمد» و شاگردان او داد. از این رو «شیخ‌زاده» که در پی حاصی و هنرپروری جدید بود؛ به دربار شیبان در بخارا عازم گردید. (Dickson and Welch, ۱۹۸۱, ۶۳-۶۹) از جمله آثار «شیخ‌زاده»، دیوان حافظ است که حدود سال ۹۳۳ هـ. (محموظ در موزه هنری فاگ، دانشگاه هاروارد) برای «سام میرزا» برادر «شاه طهماسب» کتابت شده است. فضای سنجیده معماری نگاره‌ها و نقوش آرایه‌ای آن‌ها از ویژگی‌های آثار شیخ‌زاده را داراست. نگاره «شیخ صنعان در مقابل بالکن دختر ترسا» در نسخه «میرعلیشیری نوایی» و کتابت آن در هرات سال ۹۳۳ هـ. نیز منسوب به «شیخ‌زاده» است که در آن چهره دختر ترسا، گوشتالود و پهن است.

مثنوی هفت منظر «عبدالله هاتفی» - خواهرزاده جامی -، در سال ۹۴۴ هـ. را «میرعلی هروی» در بخارا کتابت کرد. (محموظ در بنیاد گلبنکیان، واشنگتن). این نسخه، دربر دارنده چهار نگاره است که دو تا از آن‌ها منسوب به شیخ‌زاده است. در این نگاره‌ها، ترکیب‌بندی‌های خطی دو بعدی با پیکره‌های متعدد، شبیه نگاره‌های کارگاه «کلدی محمدسلطان» می‌باشد. در یکی از نگاره‌ها نام شیخ‌زاده، ثبت شده است. (۴۰, Ibid).

مکتب بخارا در اواخر دهه ۹۴۰ هـ. به سبکی مستقل، تبدیل شد. نگاره‌های سبک کهن هرات، کار «محمود مذهب» در نسخه مخزن الاسرار نظامی و کتابت آن در سال ۹۵۲ هـ. (کتابخانه ملی پاریس) و بوستان سعدی در سال ۹۴۹ هـ. (بنیاد کورکیان، لیسین) نشان‌دهنده طراحی‌های ماهرانه و ترکیب‌بندی‌های استادانه بخصوص در پیکره‌های انسانی است.

شاید یکی از زیباترین نسخه‌ها، نسخه سه مثنوی روضه المحببتین به تاریخ ۹۵۶ هـ. (محموظ در موزه سالار جنگ حیدرآباد دکن) باشد که «عبدالله بخاری»، «محمود مذهب» و «شیخ‌میر ملایوسف هروی»، نگاره‌های آن را رقم زده‌اند. شیخ‌میر از نقاشان نسل دوم مکتب بخارا بود. «مصطفی عالی افندی» از «عبدالله بخاری» و «محمود مذهب» نام می‌برد و اولی را در زمره شاگردان «شیخ‌زاده» و دومی را در زمره شاگردان «میرعلی هروی» خوشنویس ثبت می‌کند و می‌نویسد: «سلطان محمد بخاری، علاوه بر اسلوب کتابت، هنروری بود که بر صفت تذهیب نیز وقوف داشت». (۱۳۶۹, ۷۷, ۱۰۴). در نگاره‌های این نسخه، ترکیب‌بندی‌هایی وجود دارد که تأثیر «شیخ‌زاده» را به خوبی می‌نمایاند؛ هم‌چنین، نگاره‌هایی هم با دو یا سه پیکره درشت، وجود دارد که نشان‌دهنده نوآوری‌های هنرمندان مکتب بخارا است.

از نسخه‌هایی که در اواخر سده نهم و اوایل سده دهم هجری، در سمرقند، کار شد و سبکی متفاوت با سبک هرات را به نمایش گذاشت؛ فتح‌نامه محمد شادی (محموظ در کتابخانه انستیتوی شرقی تاشکند) و نیز نسخه‌های از خسرو و شیرین هاتفی (متعلق به کتاب‌خانه بادلیان آکسفورد) است. نگاره‌های هر دو نسخه از نظر قدرت بیان و بهره‌گیری از قواعد نگارگری، قابل ملاحظه است. در آن‌ها، عمود بودن ساخت بناها و توازن خطوط دقیق افقی‌ها و ترتیب پیکره‌های قاعده‌مند انسانی، شگفت‌انگیز و جالب توجه است. چرخه تصویرپردازی آن‌ها، کاملاً بیان‌کننده کار هنرمندان بومی بخارا است. خسرو و شیرین هاتفی پنج نگاره دارد که چهره پیکره‌ها در آن‌ها «مغولی» و اجرای آن‌ها دقیق و سنجیده است و پیکره‌ها دو به دو در صحنه، مستقر شده‌اند.

«یار محمدخان» (۹۶۳-۹۵۷ هـ) - جانشین «عبدالعزیز» - نیز حمایت از هنرها را وجهه همت خود قرارداد، چنانکه نسخه‌های چندی از آثار ادبی، در زمان او، نسخه‌آرایی شد. از جمله این آثار، چندین نسخه از مجموعه اشعار «نوایی»، موجود در کتابخانه «بادلیان آکسفورد» و «کتابخانه ملی پاریس» است. مثلاً لسان الطیر نوایی در سال ۹۶۰ هـ. با شش نگاره کتابت شد. (کتابخانه ملی پاریس). سبعة سیاره او را «سلطان مسعود الکاتب بن سلطان محمود» در سال ۹۶۰ هـ. کتابت کرد. (محموظ در کتابخانه بادلیان آکسفورد). این نسخه دربر دارنده یازده نگاره است که به ابوالفتح یارمحمد بهادرخان اهدا شده است. نگاره‌های آن از حیث اجرا و سبک، نمونه‌ای عالی از دستاوردهای مکتب بخارا است. گلستان سعدی با کتابت «میرعلی مشهدی» در سال ۹۵۰ هـ. و پنج‌نگاره (محموظ در کتابخانه ملی پاریس) و بوستان او با کتابت «میرحسین الحسینی» به تاریخ ۹۶۳ هـ. با چهار نگاره (متعلق به کتابخانه ملی پاریس) جملگی به این دوره تعلق دارند. (Robinson, ۱۹۵۸, ۱۲۵)

پس از «یارمحمدخان»، «عبدالله‌خان» (۱۰۰۷-۹۶۴ هـ) - آخرین حکمران شیبانی - قدرت را در دست گرفت. او نیز هنرپروری و پشتیبانی از هنرها و هنرمندان را فراموش نکرد. نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی به تاریخ ۹۷۲ هـ. تصاویری از نگارگری شاهانه شیبانی را در بخارا ثبت کرده است (محموظ در کتابخانه توبقایی سرای استانبول). اما این نسخه، شاهدهی بر انحطاط نگارگری این دوره نیز هست. در نگاره‌های این شاهنامه، تپه‌های کوتاه سرتاسر صفحه را به گونه‌ای افقی تقسیم کرده و ترکیب‌بندی‌های مرکب از یک تا سه پیکره درشت پدید آمده است. پیگمان آنها بسیار نازک است.

تحفه الاحرار جامی با کتابت «بابامیرک تاشکندی» در سال ۹۶۶ هـ. (مجموعه ویور، پاریس) با



سنگاره، تیمورنامه هاتمی با هفت نگاره (موزه بریتانیا، لندن) « هم چنین تحفه‌الاحرار جامی با پنج نگاره متعلق به سال ۹۷۱ هـ. (محموظ در کتابخانه چستربیتی دابلین) و دو نگاره، از جمله آثاری هستند که در دوره «عبدالله‌خان» در کتابخانه سلطنتی اجرا شدند. در نگاره‌های این آثار، ترکیب‌بندی‌های مشابهی به کار رفته است و اصالتی در آن‌ها دیده نمی‌شود. شماری از نگاره‌های این دوره در بر دارنده رقم و یا انتساب به «محمود مذهب» است. در این دوره، شماری از هنرمندانی که در کتابخانه سلطنتی، تربیت یافته بودند؛ شاید به سبب کاهش حمایت هنری، راه هند را در پیش گرفتند. «شیخ نقاش» که زمانی در دربار «سلطان عبدالعزیز» کار می‌کرد؛ در دربار گورکانیان هند مشغول به کار شد. چهار نگاره با رقم او در گلستان سعدی سال ۹۴۷ هـ. (کتابخانه بریتانیا، لندن) وجود دارد. در یکی از برگ‌های این نسخه نام «اکبر امپراتور گورکانی»، در روی کتیبه ساختمان، ثبت شده است. (Title, ۱۹۷۷, ۱۲۷). اغلب، اعتقاد بر این است که این نسخه را «عبدالله‌خان» به اکبر اهدا کرد. (Robinson, ۱۹۵۰, ۱۲۷, ۱۹۶۷, Ibid; ۹۰۱۰۸). در این نگاره، بیشتر جامه‌های پیکره‌ها، مغولی است و نگاره‌ها پس از مرگ اکبر، بدان ضمیمه شده است.

دهه‌های پایانی سده دهم هجری، دوره انتقالی مکتب بخارا بود. از یک سو، انحطاط نهایی میانه سده دهم کامل شد. زیرا تصاویری را به نسخه‌ها ضمیمه کردند که هیچ‌گونه سنخیتی با آن‌ها نداشت. مثلاً در اخلاق محسنی کاشفی (موجود در کتابخانه ایندیا آفیس) بالغ بر سیصد نگاره با تک‌پیکره و بدون ربط به متن نسخه آمده است. (Robinson, ۱۹۷۶, ۱۵۳ FF) از سوی دیگر دوره جدیدی از تأثیرات هنری مشهد و هرات، به دلیل حمله ازبکان به خراسان در سال ۹۹۴ هـ. و تصرف مشهد و هرات، وارد مکتب بخارا شد. یوسف و زلیخای جامی، کتابت عبدالرحمن بخاری، به سال ۹۷۲ هـ. با هشت نگاره (محموظ در بنیاد کورکیان، نیویورک) گلستان سعدی با سیزده نگاره و کتابت «میرعلی حسینی الکاتب السلطانی» به سال ۹۷۴ هـ. (موزه بریتانیا، لندن) و باز «یوسف و زلیخای جامی» با هفت نگاره و کتابت در سال ۱۰۰۷ هـ. (کتابخانه ایندیا آفیس لندن) و شاهنامه فردوسی با کتابت «آدینه بخاری» در سال ۱۰۰۷ هـ. با بیست و پنج نگاره (کتابخانه ایندیا آفیس لندن) متعلق به این دوره هستند. یک یوسف و زلیخای جامی با کتابت «بدر منیرین محمود بخاری» در سال ۱۰۰۴ هـ. و سیزده نگاره (کتابخانه بادلیان، آکسفورد) و سلسله‌الذهب او، باز با کتابت «بدر منیرین محمود بخاری» در سال ۱۰۰۵ هـ. با چهار نگاره (کتابخانه بادلیان، آکسفورد) به دهه‌های پایانی مکتب بخارا، تعلق دارند. طراحی نگاره در این نسخه‌ها، ضعیف و سست است. البته، نقوش اسلیمی روی جامه‌ها و چادرها، با دقت انجام شده و نشان می‌دهد که از کارهای خود مذهبان بوده است. (Robinson, ۱۹۷۶, ۱۳۲)

تأثیر سبک جدید خراسان را در مکتب بخارا، به ویژه می‌توان در دوره جانی‌ها (طغایموریه)، مشاهده کرد. نسخه‌های از بوستان سعدی، محموظ در کتابخانه «چستربیتی دابلین» با کتابت «محمدقاسم هروی» منسوب به این دوره می‌باشد. متن این اثر، در سال ۹۳۰ هـ. در هرات، خطاطی و بعدها تصاویری بدان ضمیمه شده است. اهدائیه آن در کتیبه بالای در یکی از نگاره‌ها ثبت است: «حضرت هدایت‌بن میرمعین‌الدین خواجه سعد»، که از اعضای خاندان مقتدر شیوخ «جویباری» نقشبندی بخارا بود. رقم این نگاره از آن «محمد شریف» در سال ۱۰۲۵ هـ. است.

سبک «محمد شریف» آمیزه‌ای از منظرسازی و پیکرپردازی نگاره‌های اواخر سده دهم با سبک دوره خود او در بخارا است که سبکی پرتوان و جدید پدید آورده است. نگاره‌های دیگر این نسخه را دو نقاش دیگر یعنی «محمد درویش» و «مراد»، رقم زده‌اند. منظور از «مراد» همان «محمد مراد سمرقندی» است که رقم او در نگاره‌های نسخ دیگر ثبت شده است. رنگ‌بندی نگاره‌های او در نهایت استادی انجام گرفته است. در نگاره‌های «محمد درویش» هم پیکرسازی جلوه‌های خاص دارد. در مجالس العشاق سال ۱۰۱۵ هـ. هم می‌توان نگاره‌هایی با سبک و شیوه «محمد درویش» پیدا کرد. نسخه‌های از خمسه نظامی که در سال ۱۰۸۱ هـ. در بخارا کار شده است (محموظ در کتابخانه چستربیتی دابلین). از آثار برجسته مکتب پسین بخارا شمرده می‌شود. شایان ذکر است که در سده سیزدهم هجری، شماری از نقاشان کشمیری به شهرهای ماوراءالنهر، مهاجرت کردند و با سبک و سیاق خاص خود به نقاشی پرداختند. از منابع موجود آشکار می‌شود که تولید نسخه‌های مصور در بخارا، پس از پایان سده یازدهم، رو به کاهش گذاشته و در نهایت متوقف شده است.

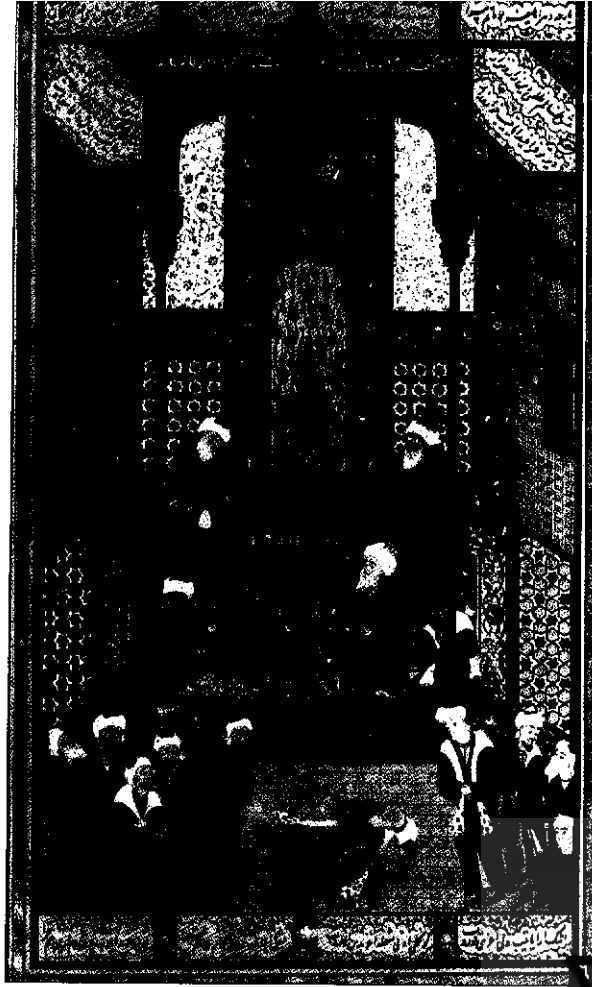
از ویژگی‌های نگاره‌های مکتب بخارا در دوره سبب؛ محدود شدن دامنه مناظر و مرایا با چمنزارهای سرسبز، درختان بزرگ و گیاهان با برگ‌های درشت بود. در منظرپردازی‌ها، تپه‌ها با خطوط ملایم خط‌الراس، تپه‌های پراکنده و گل‌های درشت، همراه با درختان شکوفان، در تباین با سروهای کشیده نگاره‌های پیشین، تصویرپردازی شده است. تصویر آثار معماری و بناها با دو بُعدی بودن خطوط مستقیم و طراحی آرایه‌ها همراه است. یک سلسله از سطوح دقیق افقی، بیان کننده فضابندی نگاره‌ها است. پیکره‌های قرینه با ساق‌های کوتاه و در یک خط مستقیم و جامه‌های حاوی چین‌های مستقیم از ویژگی‌های پیکرپردازی نگاره‌هاست. رنگ‌بندی عمومی نگاره‌های مکتب بخارا، شفاف، روشن و گرم با تأکید بر رنگ‌های نارنجی و سیاه می‌باشد که بعدها ملایم‌تر و شفاف‌تر شده است.

مهم‌ترین موضوع نگاره‌های مکتب بخارا، صحنه‌های عاشقانه و تصویر سرگرمی‌های عمومی و صحنه‌های اندکی از جنگ و شکار است. از فضای عمومی نگاره‌ها، آرامش و منانیت می‌بارد. نسخه‌ها، معمولاً دارای نگاره‌های اندکی است. در سال‌های پایانی مکتب بخارا، ترکیب‌بندی‌های دو بُعدی، ساده‌گرایی شدید و مناظر و معماری قراردادی و یا حتی حذف مناظر و پس زمینه معماری، رواج یافت. به هر حال، در نگارگری مکتب بخارا، قاعده‌بندی‌های پیشین، ساده‌تر و از رنگ‌های خالص و ناب بیشتر استفاده شد. به طور کلی، تأثیرات مکتب پسین هرات، به ویژه آثار «بهزاد» در طراحی، رنگ‌بندی، اتودها و حالات پیکره‌ها دیده می‌شود. البته نقاشان مکتب بخارا که بیشتر «ازبک» بودند؛ بعدها به حفظ و نگهداری سنت‌های به دست آمده، علاقه‌ای نشان ندادند.

۳. پس‌نگری

با نگاهی کلی به مطالبی که گذشت، می‌توان به جمع‌بندی زیر دست یافت:

۱. مکتب بخارا را می‌توان شعبه‌ای از مکتب‌نگارگری هرات برشمرده که پس از سال ۹۱۲ هـ. و حمله ازبکان به هرات و مهاجرت شماری از هنرمندان به «بخارا»، «سمرقند» و «تاشکند» شکل گرفت. «محمدخان



جدول بازمانده‌های مکتب بخارا

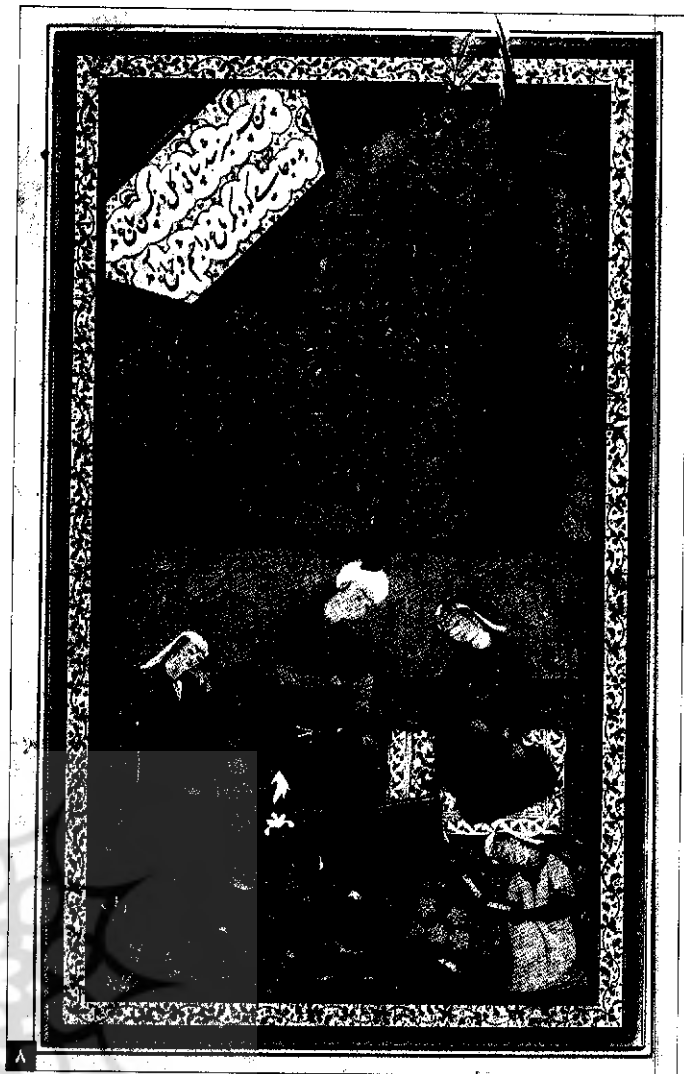
سال	نام اثر	نام کاتب و نگارگر	تعداد نگاره	جای نگهداری
۹۲۶	یوسف و زلیخای جامی		۲	بنیاد کور کبان، نیویورک
۹۲۹	مهر و مشتری عمار	ابراهیم خلیل بخاری	۴	گالری هنری فریره، واشنگتن
۹۳۱	بوستان سعدی	علی‌الحسینی	۲	مجموعه ویور، پاریس
۹۳۵	سیخه‌الابرار	میرعلی‌الکاتب السلطانی	۲	بنگاه کور کبان، نیویورک
حدود ۹۳۶	بوستان سعدی	سلطان محمد نور	۲	کتابخانه نجرمن سلطنتی آسیایی، لندن
۹۴۴	هفت منظر هانفی	میرعلی‌الکاتب	۴	بنیاد کور کبان، نیویورک
۹۴۴	یوسف و زلیخای جامی	عیسی‌الکاتب	۲	موزه فیتز ویلیام، کمبریج
۹۴۷	خمسه نوایی	سلطانعلی مشهیدی	۶	کتابخانه سلطنتی ویور
۹۴۹	بوستان سعدی	میرعلی‌هروی	۱۶	مجموعه گیندکبان، پاریس
۹۵۰-۹۵۴	چهار منتهوی جامی	میرحسین کاتب - محمد علی بن محمود	۹	کتابخانه چستر بیلی، دالین
۹۵۲	مخزن الاسرار	میرعلی‌هروی	۳	کتابخانه ملی، پاریس
۹۵۵	تحفه‌الاحرار جامی	میرعلی‌الحسینی	۳	کتابخانه چستر بیلی، دالین
۹۵۶	معراجنامه		۲	بنیاد کور کبان، نیویورک
۹۵۷	تحفه‌الاحرار	سلطانعلی مشهیدی	۲	کتابخانه ملی، پاریس
۹۵۷	دیوان شاهی	عمادالحسینی	۲	کتابخانه چستر بیلی، دالین
۹۵۷	رباعیات خیام	سلطانعلی کاتب	۵	مجموعه اشرف پنه
۹۵۷	رباعیات خیام	سلطانعلی کاتب	۵	مجموعه اشرف پنه
۹۵۷	یوسف و زلیخای جامی	میرعلی	۳	موزه هنرهای متروپولیتن، نیویورک
۹۶۰	لسان‌الطیر نوایی		۶	کتابخانه ملی، پاریس
۹۶۱	گلستان سعدی	میرعلی مشهیدی	۵	کتابخانه ملی، پاریس
۹۶۳	تحفه‌الاحرار جامی	بابا میر کاتاشکندی	۳	مجموعه ویور، پاریس
۹۶۸	تیمورتاشنامه هانفی		۷	موزه بریتانیا، لندن
۹۷۲	بوستان سعدی	محمد قاسم هروی (عربی)	۲	کتابخانه چستر بیلی، دالین
۹۷۲	اخلاق محسنی کاشفی	خلیل بن طاهر بن خلیل		بنیاد کور کبان، نیویورک
۹۷۲	یوسف و زلیخای جامی	عبدالرحمن بخاری	۲	بنیاد کور کبان، نیویورک
۹۷۲	سیخه‌الابرار جامی	محمد بن اسحق شیبانی هروی	۲	بنیاد کور کبان، نیویورک
۹۷۳	بوستان سعدی	سلطان بایزید بن میر نظام	۲	بنیاد کور کبان، نیویورک
۹۷۴	گلستان سعدی	میرعلی حسینی کاتب	۱۳	موزه بریتانیا، لندن
۹۸۰	تحفه‌الاحرار جامی	میرحسین (میر گلنگی)	۲	کتابخانه چستر بیلی، دالین
۹۸۷	گلچین			
۱۰۰۴	یوسف و زلیخای جامی	پدر منیر بن محمود بخاری	۱۳	کتابخانه بادلیان، آکسفورد
۱۰۰۵	سلسله الذهب	پدر منیر بن محمود بخاری	۴	کتابخانه بادلیان، آکسفورد
۱۰۰۷	یوسف و زلیخای جامی		۷	کتابخانه ایندیا آفیس، لندن
۱۰۰۸	شاهنامه فردوسی	آینه بخاری	۲۵	کتابخانه ایندیا آفیس، لندن

منابع:

- ۱- آکیمونکن، «یک مکتب هنری ناشناخته: بخارا در قرن هفدهم»، هنر و جامعه در جهان ایرانی، زیر نظر شهزاد عماد، تهران: توس، ۱۳۶۹-۱۳۷۰.
- ۲- عالی قندی، مصطفی، مناقب هنروران، ترجمه توفیق سیخنی، تهران: سروش، ۱۳۶۹.
- Ashtafi/M./ 1979/ Persian painting in the 16 th century, tashent
- Babur/ 1979/ Baburnamah, tr. Beveridge, London
- Dicksom and Welch/ s.c./ the Houghton shahnamah/ Cambridge/ mass.
- Robinson/ w./ 1958/ A descriptive catalogue of the Persian painting in the Bodleian library, oxford
- Robinson/ 1964, Persian miniature painting, London.
- Robinson/ 1976, Persian and mughal ar./ London
- Titley, n., miniature from Persian manus cripts, ... London.

شرح تصاویر:

- ۱- کشتی گبری در حضور شاهزاده، صحنای از نسخه مصور گلستان سعدی، مکتب بخارا، ۹۶۲ ه. ق. ۱۸۸۰ x ۲۹/۱ سانتی متر، پاریس، کتابخانه ملی
- ۲- سلطان سنج و بیژن، منسوب به محمود مذهب، مجلسی از خمسه نظامی، مکتب بخارا، ۹۶۲ ه. ق. ۱۲ x ۱۹/۶۵ سانتی متر، پاریس، کتابخانه ملی
- ۳- سلطان سنج و بیژن، منسوب به محمود مذهب، مجلسی از خمسه نظامی، مکتب بخارا، ۹۶۲ ه. ق. ۱۲ x ۱۹/۶۵ سانتی متر، پاریس، کتابخانه ملی
- ۴- بزم عاشقانه بخارا، حدود ۹۶۸ ه. ق. ۸/۵ x ۱۴/۵ سانتی متر، مجموعه خصوصی
- ۵- بزم عاشقانه، بخارا، حدود ۹۶۸ ه. ق. ۸/۵ x ۱۴/۵ سانتی متر، مجموعه خصوصی
- ۶- دیوانه شدن شیخ صنعان، مجلسی از نسخه مصور منتهوی لسان‌الطیر میرعلی شیرنوایی، بخارا، حدود ۹۶۳ ه. ق. ۱۲/۹ x ۱۹/۸ سانتی متر، پاریس، کتابخانه ملی
- ۷- مجلسی از نسخه مصور هفت منظر از منظومه هانفی، بخارا، ۹۴۵ ه. ق. ۱۶/۲ x ۲۵/۵ سانتی متر، واشنگتن، گالری فریر
- ۸- بزم عاشقانه، بخارا، حدود ۹۶۸ ه. ق. ۸/۵ x ۱۴/۵ سانتی متر، مجموعه خصوصی



شیبانی «با غارت کتابخانه سلطنتی هرات، بعضی از کتب نفیس و نیروی انسانی مکتب هرات را به بخارا منتقل کرد و به حمایت از هنرها و پیشه‌ها و معماری پرداخت. این حمایت در زمان جانشین او - «عبداللّه‌خان» - ادامه یافت و در روزگار «عبدالعزیز» به شکوفایی رسید.

۲. مکتب بخارا در حقیقت سه دوره را از سر گذراند: دوره نخست که بیشتر تحت تأثیر دستاوردهای مکتب هرات بود و در ترکیب‌بندی‌ها و منظرپردازی‌ها از آن سرمشق می‌گرفت. دوره میانی که دوره شکوفایی و زرین آن شمرده می‌شود؛ در نیمه دوم سده دهم هجری رخ داد و آناری چشمگیر و پرورده، پدید آورد؛ در حقیقت ویژگی‌های مستقل مکتب بخارا در این دوره چهره نمود. در اواخر سده دهم هجری، مکتب بخارا به زوال گرایید و نگاره‌های آن کیفیت خود را از دست داد.

سومین دوره، دوره جانی‌ها یا «طغایتموریان» بود که در آن مکتب بخارا، دگرپاره، جانی گرفت و احیا گردید. در نتیجه و آناری در خود پدید آورد و نقاشان برجسته‌ای چون «خواجه مقیم»، «خواجه گدای نقاش»، «ملا بهزاد»، «عوض محمد نقاش» و «محمد شریف» در عرصه هنر نقاشی ماوراءالنهر ظهور کردند.

۳. از اواخر سده دهم هجری، به سبب کاهش حمایت هنری، شماری از هنرمندان مکتب بخارا عازم هند شدند و بعدها خصوصیات سبک نگارگری هندی را وارد مکتب بخارا کردند. این سبک خصوصاً در آناری که در تاشکند کار شد، بیشتر جلوه یافت. می‌توان گفت که مکتب بخارا در عین تأثیرگذاری بر مکاتب نگارگری هند، از آن‌ها نیز تأثیر پذیرفت. این تأثیرپذیری تا اوایل سده سیزدهم هجری ادامه یافت.

۴. مکتب بخارا، به سبب قطع رابطه سیاسی شیبانیان با حکومت صفوی، از فعل و انفعالات هنری مکاتب نگارگری دوره صفویان چندان بهره‌مند نشد. با اینکه، این مکتب در حمله ازبکان به خراسان در اواخر سده دهم هجری تا حدودی از نگارگری موجود در مشهد، بهره‌برگرفت؛ ولی این بهره‌گیری، چندان عمیق و دراز آهنگ و به اندازه تأثیرات نگارگری هند نبود، تا پایایی و دیرینگی بیشتری داشته باشد.

۵. در نگارگری مکتب بخارا، به موضوعات تغزلی و تاریخی توجه بیشتری شد. در این مکتب موضوعات حماسی چندان جایی نداشت؛ از این رو، به نگارگری شاهنامه، جز موارد استثنایی، کمتر عنایت شد. به سبب سلطه طریقت نقشبندیه در ماوراءالنهر و نیز فرهنگ ترکی آن، آثار «جامی»، «نوایی» و «هانفی» بیشتر از سایر سخنوران، مورد توجه قرار گرفت و تصویرپردازی گردید.